دریچه

درواکنش به موافقت با توزیع مواد مخدر قانونی مطرح شد

کاش واسطه بازار سیاه نشویم

● **شرق:** سخنگوی کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس از موافقت تمام مراجع تصمیم‌گیرنده با پیشنهاد توزیع مواد مخدر دولتی با هدف انقطاع رابطه معتادان و قاچاقچیان خبر داد و گفت: طرح توزیع مواد مخدر دولتی مشابه آنچه پیش از انقلاب انجام می‌شد، است. این خبر روز گذشته در رسانه‌های رسمی منتشر شد، خبری که امیدها و نگرانی‌های جدیدی را برای متخصصان اعتیاد ایجاد کرد.

پیش از انقلاب در دوران پهلوی، مصوبه‌ای مبنی بر واگذاری تریاک به صورت کارتی یا اصطلاحا کوپنی به معتادان بالای ۶۰ سال شکل گرفته بود که البته در این میان، جوان‌ترها هم با جعل گواهی پزشک، از این سهمیه دولتی استفاده می‌کردند. حالا با گرایش و افزایش استفاده از مخدرات صنعتی و ایجاد نگرانی‌های فراوان، مسئولان به فکر توزیع مجدد مواد مخدر قانونی افتاده‌اند؛ مواد مخدر کم‌خطری شبیه تریاک که به علت گران‌بودن از گردونه مصرف خارج شده‌اند و جای خود را به موادی شبیه شیشه داده‌اند.

عباس دیلمی‌زاده، کارشناس اعتیاد و مدیر مؤسسه تولد دوباره، درباره این طرح و جزئیات آن می‌گوید: «اصلا چیزی از جزئیات این داستان معلوم نیست؛ یک کلمه گفته‌اند و هیچ‌گونه اطلاعاتی هم درز نکرده است. وضعیت را با پیش از انقلاب مقایسه کرده و اعلام کرده‌اند وضعیت به پیش از انقلاب که به صورت قانونی بین متقاضیان تریاک پخش می‌شده، شباهت دارد؛ درحالی‌که پیش از انقلاب، کسانی که تریاک می‌گرفتند بخشی از آن را در بازار آزاد می‌فروختند و بخشی را هم مصرف می‌کردند؛ بنابراین آن تریاکی که پیش از انقلاب فروش می‌رفته، در بازار آزاد درز پیدا می‌کرده».

وی با اشاره به خطرات این طرح افزود: «بقیه دنیا بعضی از مواد مخدر کم‌خطر را آزاد کرده‌اند. آنها به مخدری مجوز داده‌اند که در کشور خودشان کم‌خطر محسوب می‌شود. این کم‌خطربودن در کشورهای مختلف متفاوت است. مثلا ممکن است چیزی که در آمریکا ماده مخدر کم‌خطر محسوب می‌شود، در اروپا جزء مواد مخدر پرخطر باشد. یک مثال عینی‌تر اینکه در انگلستان پرخطرترین ماده مخدر، الکل است؛ درحالی‌که این جایگاه در ایران متعلق به شیشه است؛ بنابراین اینها با هم متفاوت هستند».

دیلمی‌زاده با اشاره به معتادان کم‌درآمد تصریح کرد: «ما گروهی از معتادان را داریم که متعلق به طبقات کم‌درآمد هستند؛ یعنی در دهک هشتم، نهم و دهم قرار دارند. ما باید سازوکارهایی پیاده کنیم که این گروه‌های کم‌درآمد به معتاد خیابانی تبدیل نشوند. پس هر نوع برنامه‌ای که بشود برای آنها پیاده کرد و مدیریت کرد، هزینه‌هایی را که در آینده باید برای این اقشار شود، کمتر می‌کند و در واقع این پول را پس‌انداز کرده‌ایم. نکته اینجاست انجام این کار، نیازمند سیستم و سازوکار است».

مدیرعامل مؤسسه تولد دوباره در پایان خاطرنشان کرد: «من اگر به جای دولت باشم، این افراد را شناسایی کرده و برایشان سیستمی را پیاده می‌کنم و از گروه‌های دهک پایین حمایت مالی می‌کنم؛ اما شرط می‌گذارم مبنی بر اینکه به شرطی کمک می‌کنم و کمک‌های مالی را به تو افزایش می‌دهم که تو معتادت را از خانه اخراج نکنی. تیمی را هم برای ارزیابی می‌گذارم که درباره زندگی معتاد در خانواده تحقیق کند و ببیند آیا او هنوز در خانواده زندگی می‌کند یا نه. این قدم اول است. در قدم دوم، ما باید مکان‌هایی را برای افرادی که معتاد خیابانی شده‌اند، تهیه کنیم تا درآنجا تحت نظارت و مدیریت، داروها و درمان‌های نگه‌دارنده به اندازه کافی و ارزان‌قیمت توسعه داده شود؛ به‌طوری‌که هر معتاد خیابانی بتواند به صورت رایگان و بدون اینکه پرداختی انجام دهد، درمان نگه‌دارنده متادون و درمان‌های نگه‌دارنده دیگر را به دست بیاورد. بعد از آن، ممکن است بتوانیم برای گروه‌های بعدی مواد مخدر ارزان‌قیمت را در همین خانه‌ها در اختیارشان قرار بدهیم، به شرط اینکه آنها پس از مدتی وارد درمان نگه‌دارنده بشوند. چه‌طور ممکن است در کشوری که سیستم بهداشتی آن ادعا می‌کند متادون از کارخانه‌های رسمی داروسازی به داخل خیابان نشت پیدا می‌کند، بشود چه تضمینی را که مواد مخدر قانونی به بازار سیاه نرسد، داد؟ نگرانی اصلی این است که گروه‌ها و دهک‌های متوسط و بالا اجتماع، این مواد را بگیرند و مصرف کنند و گروه‌هایی که در دهک‌های پایین هستند، این مواد را بفروشند و خودشان مواد مخدر پرخطر مصرف کنند؛ یعنی تریاکشان را بفروشند و به جایش شیشه بخرند. چه تضمین و سیستم و برنامه‌ای طراحی شده که جلوی این اتفاق را بگیرد؟ کل طرح این مسئله مثبت است؛ اما سؤال این است که عملی‌کردن چنین برنامه‌ای، ممکن نیست و سیستمی دقیق، درست و تحت مدیریت را طلب می‌کند».

هنوز جزئیات این طرح مشخص نیست؛ اما به گفته حجت‌الاسلام نوروزی، سخنگوی کمیسیون قضائی مجلس، این طرح با موافقت تمام ارگان‌های مربوط به صحن مجلس آمده است. باید دید آیا برنامه‌ریزی مدونی برای این طرح و مدیریت آن وجود دارد یا قرار است داستان معتادان و مواد مخدر پیچیده‌تر از امروز شود.

خودشان از همه ریاکارترند

عکس: نسیم

ادامه از صفحه اول

باید برای مردم کار کرد. باید شعارهای انقلاب را به نتیجه رساند. کشور درگیر مشکلات بسیار زیادی است. منطقه کاملا ملتهب است و ضرورت دارد همه با هم باشیم برای اینکه بتوانیم بر مشکلات فائق آییم. آنچه ما را خسته کرده، حاشیه‌هاست، دعواهاست که از نظر من تماما ناشی از خودشیفتگی و خودمحوری و خودبینی یا خودبزرگ‌بینی یا قدرت‌طلبی است. این را مردم می‌فهمند و به نظر من مردم هم خسته می‌شوند.

آنها می‌توانند بگویند ما با این انتقادات، مشکلات مردم را بازنمایی می‌کنیم.

بله درست است. جناح مقابلشان هم در مقاطعی همین را می‌گفت. خطاب من به یک مجموعه نیست. خطابم به همه کسانی است که مدعی ساختن یک ایران آزاد و آباد و مردمی هستند. بله، ممکن است گروه مقابلشان هم همین را بگویند، ولی این بشر دوپا، تنها جنبده‌ای است که برای هر فعل و عملی که انجام می‌دهد، بیشترین توجیه را دارد.

فرض کنید الان به سال ۹۲ برگردیم. دولت روحانی تازه انتخاب شده و برای کابینه با شما صحبت می‌شود. با وضعیتی که در این چهارسال تجربه شد، آیا دوباره وزارت را قبول می‌کنید؟

پاسخش خیلی سخت است.

به خاطر همین حملات می‌گویید؟

اگر بخواهم به خودم و خانواده‌ام و منافع شخصی فکر نکنم، بله حتما جواب مثبت خواهم داد. به خاطر اینکه خدمات بسیار ارزنده‌ای در این دولت در حوزه سلامت اتفاق افتاد و البته در بقیه حوزه‌ها هم کارهای خیلی خوبی شد که مردم، قدردان آن هستند.

یعنی اگر منافع خودتان و خانواده را در نظر بگیرید پاسخ‌تان منفی است؟

اگر بگیریم و درعین‌حال به عقل‌مان اعتماد کنیم که طبیعی است ورود به این عرصه‌ها به صلاح نیست. به‌خصوص با رفتارهایی که شاهد بودیم. مطمئنا افرادی که توانمند باشند و در این وضعیت آبروی خودشان که هیچ، آبروی بستگان‌شان را مدنظر داشته باشند، از قبول مسئولیت سرباز می‌زنند.

کدام‌یک از حملات و نقدها بیشتر از همه عصبانی یا ناراحتتان کرد؟

من اصلا برای حملات شخصی اهمیتی قائل نیستم. ولی آن چیزی که سخت است، کلیت حملات به دولت است و بدترینش به نظر من این است که می‌خواهند بگویند اینها اهل مسامحه هستند. اینها جاده‌صاف‌کن سکولاریسم هستند. چه کسانی؟ کسانی که همه وجودشان را برای اسلام و انقلاب گذاشتند و در خانواده هر کدام‌شان یکی دو شهید است. به اعضای کابینه نگاه کنید که چه سوابقی داشتند، اما دائم این دروغ را تبلیغ می‌کنند. درعین‌حال، بخشی از آن هم، بحث اشرافی‌گری است که البته به نظر من از سلاح‌های نخ‌نماشده است که در این ۳۷، ۳۸ سال علیه خیلی‌ها استفاده شد و مردم این را فهمیده‌اند؛ یعنی یکی اینکه بخواهند بگویند اینها جاده‌صاف‌کن غرب هستند و در همین مسیر سکولار، دنبال دین‌زدایی هستند. این خیلی دردناک است واقعا و بعد هم بخواهند بگویند که خودشان انقلابی هستند و ماها خیر. باید ببینیم ریشه این افراد چیست و ریشه آنهایی که الان ایستاده‌اند و برای کشورشان از آبرو و حیثیت خود که مهم‌ترین داشته آنهاست مایه می‌گذارند، کجاست، سوابق هر کدام را بررسی کنند. بعد هم می‌خواهند بگویند اینها به فکر محرومان نیستند، ما به فکر محرومان هستیم؛ آن هم با آن کارنامه‌ای که واقعا روزبه‌روز کشور را به سمت پرتگاه و مردم را به سمت فقر و تهیدستی بیشتر رهنمون کرد.

در صحبت‌تان گفتید که شما را یعنی دولت را متهم می‌کنند به سکولاریسم و غرب‌گرایی و اشرافی‌گری. منتقدان می‌گویند که دکتر هاشمی خیلی پول‌دار است، شما پول‌دار هستید؟

من از روز اول، تأیید کردم که پولدار هستم. نگفتم که ندارم. الان هم نفی نمی‌کنم. معتقد هستم که اگر کسی سرمایه‌دار است، اصل باید بر این باشد که از کجا و از چه مسیری آورده. خیلی از کسانی که دیگران را متهم می‌کنند، این رفتارشان ناشی از تفکراتی است که اسلامی نیست و ما سابقه آن را در بحبوحه انقلاب، به‌خوبی می‌شناسیم و می‌دانیم و دیدیم. خودشان نگاه کنند به زندگی شخصی‌شان یا زندگی کسانی که معلم‌شان هستند. ببینند چه بخشی را از مسیرهای نامشروع کسب کردند که البته خودشان فکر می‌کنند مشروع است. آنچه در زندگی ما هست، سر سوزنی غیر از مسیر قانونی و شرعی به دست نیامده. برای آن زحمت کشیدیم. درعین‌حال هم ارزشی برای آن قائل نیستیم. مهم سبک زندگی است که سبک زندگی ماها، تربیت بچه‌هامان و حیطه فعالیت ما، کاملا مشخص است.

همه پول و سرمایه‌تان را از راه پزشکی به دست آوردید؟

بله. این هم سؤال خیلی خوبی است. من هیچ کار غیر پزشکی نکردم؛ یعنی اگر درآمدی داشتم، پول رفته در بانک و منطق من این بوده که...

یعنی کارهای جانبی مثلا ساخت‌وساز و خریدوفروش و... نداشتید؟

نه هیچ‌چیز. همه همکاران و جامعه پزشکی می‌دانند. منطق من هم این بود که ما یک بچه شهرستانی بودیم و خدا لطف کرده در این لباس آمدیم. این کشور برای ما هزینه کرده و یک دقیقه آن هم مهم است. نباید وقت‌مان را به جز کار طبابت و پزشکی و آموزش‌دیدن و آموزش‌دادن، صرف چیز دیگر کنیم.

درباره شما می‌گویند وزیر پورشه‌سوار، آیا شما پورشه دارید؟

این هم سؤال خیلی خوبی است. من فکر کنم ۸، ۹ سال پیش، نمی‌دانستم که وزیر می‌شوم. آن موقع دنبال ماشین می‌گشتم. ماشین پرادو داشتم، ولی پرادوها زود چپ می‌کرد. دنبال همین ماشین‌های شاسی بلند بودم که گفتند این بهترین ماشین است (پورشه) که من هم خریدم؛ آن موقع حدود ۲۰۰ میلیون تومان.

هنوز آن اتفاقات زمان آقای احمدی‌نژاد نیفتاده بود که قیمتش میلیاردی شود.

نه، قبل از آن تبدیل قیمت ارز بود.

چه مدلی بود همین شاسی‌بلند؟

کاین است.

تا چه زمانی داشتید؟

هنوز هم دارم. داشتنش هم حکایتی جالب است. من از روزی که وزیر شدم تا الان، یک ثانیه هم پشت آن ماشین ننشسته‌ام. معتقدم که مسئولیت، بالاخره ضرورت‌هایی را ایجاب می‌کند و یک مسئول نمی‌تواند آن‌طوری رفتار کند که قبل از دوران مسئولیتش هست. و از آن طرف باوجود فشاری که همسرم داشت، برای اینکه آن را بفروشم؛ از ابتدا هم راضی نبود و می‌گفت همین ماشینی که هست خوب است. من می‌گفتم ما به جاده می‌رویم و بالاخره باید ماشین امن باشد. من که پول دارم، دلم هم که می‌خواهد. وقتی نخرم یعنی نفاق دارم، آن هم به خاطر حرف دیگران. این چیزی که متأسفانه در کشور شایع است. به‌هرحال باوجود اینکه ایشان اصرار می‌کرد، من تا امروز آن را نفروختم، نمی‌فروشم هم. دلیلش هم یکی، همسایه‌هاست. اگر من در ابتدای مسئولیتم آن را می‌فروختم. فکر می‌کردند من وزیر شدم و حالا می‌خواهم ریا کنم. یکی از دلایل هم پسرم است. نمی‌خواستم قضاوتش راجع به پدرش این باشد یا به نحوی آموزش ببیند که باید ریاکاری کند. بالاترین آسیبی که به کسی ممکن است وارد شود، دچار نفاق شدن و ریاکاری است. خیلی گفتند و نوشتند و شاید راه ساده‌ترش هم این بود که من الان پاسخ شما را می‌دادم که نه، ندارم. شاید خیلی از خوانندگان شما هم قانع می‌شدند، البته من می‌فهمم که گفتن این هزینه دارد ولی این هزینه در برابر آن نفاق ارزشش خیلی بیشتر است. آنها که همین اتهام‌ها را می‌زنند. آنها خودشان از همه ریاکارتر هستند. بنابراین باید جامعه را عادت داد و افراد را و به‌خصوص مسئولان را، که آن چیزی که هستند بنمایانند. نه آنی که مردم دوست دارند. اگر خودشان را به آن شکل درآوردند، معنی‌اش این است که نفاق دارند و این در بزنگاه‌های مختلف، هزینه‌های سنگینی را برای دین و برای کشور ایجاد می‌کند.

چند فرزند دارید و به چه کاری مشغول هستند؟ تحصیلات آنها چیست؟

سه فرزند دارم، دو دختر و یک پسر، فرزند اول من- دختر - الان متخصص روان‌پزشکی است و در حاشیه کرج مشغول طبابت و کار است و همسرش هم جراح مغز است. فرزند دوم هم دختر است که او هم پزشکی را تمام کرده و سال آخر تخصص روان‌پزشکی می‌خواند. فرزند سومم هم سال دوم پزشکی را تمام کرده، پسر است و مشغول تحصیل.

طرح تحول سلامت را خیلی‌ها به عنوان یکی از بزرگترین اقدامات دولت می‌شناسند و در انتخابات اخیر هم یکی از برگهای برنده اصلی دولت بود، اما در آن سو منتقدان زیادی هم دارد، برخی می‌گویند بودجه زیادی صرف آن شده و گروهی از اینکه بیشتر پول آن به پزشکان داده شده حرف می‌زنند، پاسخ شما به این انتقادات چیست؟

بله، این هم سؤال خیلی خوبی است و نشان می‌دهد که قدرت رسانه‌های مخالفان دولت چقدر بالاست. به طوری که روی خود مدافعان دولت و حتی روی بعضی از اعضای دولت هم اثر گذاشته، که بپذیرند طرح تحول سلامت، هزینه زیادی روی دست دولت گذاشت. من فقط چند عدد را عرض می‌کنم. مجموع پولی که دولت تا امروز برای طرح تحول سلامت گذاشته حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان است که یک قلم آن بیمه‌شدن رایگان ۱۱ میلیون نفر بوده. در کنار همه دستاوردهای دیگری که داشته، مقایسه کنید با پولی که دولت برای خودکفاشدن گندم پرداخت. سالانه ۱۵ هزار میلیارد تومان، آن رقم ۱۲ هزار میلیارد در طول چهار سال گذشته بود. دولت سالانه ۱۵ هزار میلیارد تومان برای گندم پرداخت می‌کند که هشت هزار میلیارد آن تقریبا می‌شود گفت فقط برای این است که بگوییم ما خودکفا هستیم. چون همان مقدار گندم را به قیمت هشت هزار میلیارد کمتر می‌شود وارد کرد. رقمی را آقای دکتر جهانگیری فرمودند راجع به بودجه آموزش‌وپرورش که از ۱۴ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان در سال، در شروع دولت به ۳۱هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده. فقط با این دو عدد مقایسه کنید، دستاوردهای طرح تحول سلامت را و رضایتمندی‌ای که مردم از این خدمت معیشتی و انسانی دارند در مقایسه با دو اقدام دیگر. یعنی کار دولت برای خودکفایی گندم و تازه گندمی که بخشی از آن نیاز نیست و خوراک دام می‌شود و تبدیل به نان نمی‌شود و اقدامی که در مورد آموزش‌وپرورش کرد و رضایت‌مندی و عدم رضایتی که ممکن است در جامعه آموزش‌وپرورش ما باشد. در طرح تحول ما عددی را هزینه نکردیم در کنار دستاوردی که داشتیم. هنوز خیلی فاصله داریم حتی در مقایسه با بعضی از کشورهای اطراف‌مان.

وضعیت هزینه‌کرد سلامت در دیگر کشورها چگونه است؟

آمریکا هزارو ۸۰۰ دلار به ازای هر نفر هزینه می‌کند، عربستان ۶۰۰ دلار سالانه و ترکیه ۴۰۰ دلار. ما حدود ۲۰۰ دلار هزینه می‌کنیم. بنابراین هنوز خیلی فاصله داریم. نه با کشورهای پیشرفته، حتی با بعضی از کشورهای اطراف‌مان و با آن چیزی که رهبری در سیاست‌های کلی نظام سلامت ابلاغ کردند، ایشان گفتند سهم سلامت از جی‌دی‌پی، متوسط منطقه باشد. ما هنوز تا رسیدن به عدد متوسط منطقه، سالانه باید هزاران میلیارد تومان علاوه بر آنچه هزینه می‌کنیم، هزینه کنیم.

درباره اینکه بخش بیشتر این پول به جیب پزشکان رفته است، چه پاسخی دارید؟

پس این همه ساخت‌وساز شد از کجا تأمین مالی شد. ما حدود پنج هزار خانه بهداشت و مرکز بهداشتی ساختیم. برای اولین بار در تاریخ ایران، ۲۵ هزار تخت بیمارستانی در یک دولت اضافه شد؛ یعنی می‌توانیم بگوییم اندازه چهار دولت کار شد. تجهیزات بیمارستانی نزدیک به سه هزار میلیارد تومان توزیع شد. پس اینها از کجا آمد؟ از مجموع پول‌های طرح تحول سلامت، این اعدادی که می‌گویم و اسناد آن هم هست، هم سازمان بازرسی کل کشور و هم دیوان محاسبات می‌توانند ملاحظه کنند. فقط ۱۱ درصدش رفته برای دستمزد پزشک و هشت درصد آن رفته برای دستمزد پرستار و پیراپزشک و... . ۸۱ درصد آن صرف توسعه زیرساخت‌ها و تجهیزات و ساماندهی مراکز بهداشت و درمانی شد. از این نظر است که می‌گویم متأسفانه حتی بعضی از اعضای کابینه، نمایندگان محترم، علاوه بر بخشی از مردم، تحت تأثیر این خلاف‌گویی‌ها قرار گرفتند که طرح تحول سلامت، خیلی هزینه دارد یا هزینه زیادی تحمیل کرده و آن بخشی هم که آمده، رفته برای پزشک.

ولی گندم برای ایران محصول خیلی استراتژیکی است. معروف است که ایرانی‌ها نان‌خورترین مردم دنیا هستند. آموزش‌وپرورش هم که خیلی مهم است. این دو مثال در این زمینه وارد نیست.

من اصلا نمی‌گویم اینها مهم نیست. من حتی می‌گویم آموزش‌وپرورش استحقاق کمک خیلی بیشتر از این را دارد. فقط خواستم مقایسه کنم که دولت آقای دکتر روحانی و کشور، هزینه‌اش در سایر حوزه‌ها چقدر بوده و دستاوردش چقدر؛ از نظر رضایتمندی. خواستم فقط یک مقایسه باشد بین ۱۲ هزار میلیاردی که در سه‌سال‌ونیم ما دریافت کردیم که می‌شود تقریبا سالانه کمتر از حدود چهار هزار میلیارد تومان. رقمی که سالانه برای خودکفایی در گندم یا کمک به آموزش‌وپرورش شده. این به معنای نفی هزینه‌هایی که در آن حوزه‌ها کردیم، نیست؛ بلکه هر چقدر ما در آن حوزه‌ها هزینه کنیم، سرمایه‌گذاری است. آموزش‌وپرورش همه سرمایه ماست و نسل‌های آینده. فقط خواستم برای آن دوستانی که در آن بخش کف می‌زنند و می‌گویند خیلی کار خوبی کردید و این قسمت را نکوهش می‌کنند، بگویم که این رفتار دوگانه است و منصفانه نیست.

دولت دوازدهم در پیش است و رئیس‌جمهور در حال آماده‌سازی و چیدن وزراست، دو سؤال را هم‌زمان مطرح می‌کنم. شما در دولت بعدی هستید یا نیستید؟ و طرح تحول سلامت در ادامه آیا هست یا نیست؟

آنچه تا امروز مسلم است، طرح تحول سلامت هست، به خاطر اینکه آقای رئیس‌جمهور بعد از کسب رأی اعتماد ملت، اعلام کردند طرح تحول سلامت در دولت دوازدهم و به عبارتی سلامت ایرانیان جزء مهم‌ترین اولویت‌های ایشان است. درباره موضوع ماندن من هم که هنوز مشخص نیست و همه چیز بعد از اراده الهی، منوط به نظر رئیس‌جمهور و نظر مجلس محترم است.

با شما صحبتی نشده؟

صحبت که با خیلی‌ها شده و من هم ازجمله آن خیلی‌ها. البته آقای رئیس‌جمهور چند جلسه با من صحبت کردند؛ ولی این را که باشم یا نباشم، هنوز نمی‌دانم.

خودتان مایل هستید باشید؟

خودم شخصا به‌هیچ‌وجه علاقه‌مند نیستم باشم؛ یعنی فکر می‌کنم آن طرف سکه هم جای خدمت زیادی هست و بالاخره تلاش‌هایی که ما در سه دهه گذشته در حوزه چشم‌پزشکی داشتیم، درخورتوجه است و درعین‌حال آن هم کار خیر بوده. باز امام بزرگوار ما می‌گفت که مهم نیست شما چه منصب و شغلی دارید. مهم این است که هر کسی در هر کجا که هست، به وظیفه خود درست عمل کند؛ به‌این‌ترتیب تکلیف از او ساقط است. فکر می‌کنم در آن لباس سفید و دور از سیاست و فاصله‌گرفتن از دغل‌بازی‌ها و رفتارهای غیراخلاقی که در حوزه سیاست است، خیلی راحت‌تر هستم و می‌توانم مشابه اینجا، اگر واقعا خودم بخواهم از فرصتی که خداوند در اختیارم قرار داده، درست استفاده کنم، به مردم کشورم خدمت می‌کنم.

در چهار سال گذشته یکی از بعدهای عملکردی شما که هم بازتاب زیادی داشت و هم منتقدانی، این بود که هر فرد مشهوری دچار بیماری می‌شده یا هر اتفاقی که بُعد رسانه‌ای زیادی پیدا می‌کرده؛ مثلا اسیدپاشی‌هایی که در اصفهان اتفاق افتاده یا موارد دیگر، آقای وزیر بهداشت خودش سر صحنه حضور پیدا می‌کرده و به آن فرد سر می‌زده. چه لزومی است که وزیر بهداشت همه این جاها باشد. برخی معتقدند این کارها نمایشی است. پاسخ خودتان به این انتقادها چیست؟

حرف می‌زنند. هر کاری کنید، داستان همان ملانصرالدین است و الاغش؛ ولی واقعیت این است که همان کسانی که به این شکل نقد می‌کنند، اگر مسئولان حضور پیدا نکنند، هم حمل بر این می‌کنند که اینها بی‌تفاوت هستند و دفترنشین هستند و حاضر نیستند از برج عاج پیاده شوند. من فکر می‌کنم مسئول سلامت مردم، هرجا که احتمال دارد به سلامت مردم آسیبی وارد شود یا وارد می‌شود، باید حضور فعال داشته باشد و مطالبه‌گری کند. در موضوع اسیدپاشی، هنوز هم ما مطالبه‌گر هستیم، به‌دلیل اینکه هیچ‌چیز روشن نشد. بخشی از آن صدمه جسمی‌ای بود که به افرادی وارد شد و هیچ‌وقت هم جبران‌شدنی نیست. ولی بخشی از آن جراحتی است که به جامعه وارد می‌شود و باز هم ما مسئول هستیم در کنار دیگران، حداقلش این است که می‌توانیم مطالبه‌گری کنیم. درباره بخشی از این حضورها، من قبول دارم نمادین است، ولی برای پیشگیری و مطالبه‌گری است و اگر باشم هم حتما ادامه پیدا خواهد کرد و جاهایی هم که نبودم، بدانید که دیگر فرصت پیدا نکردم، وگرنه با وجود همه این جوسازی‌ها حتما می‌رفتم.

به‌لحاظ سیاسی شما اصلاح‌طلب هستید، اعتدالی هستید یا چی؟

من هیچ‌کدام از اینها نیستم. فکر می‌کنم هنوز همان جوان ۲۲، ۲۳ساله اول انقلاب هستم که هیچ‌کدام از این رنگ‌ها نبود. هیچ‌کدام از این جریانات فکری و تابلوها وجود نداشت.

ادامه از صفحه اول

ایران و عراق بعد از داعش

اشغال عراق از سوی نیروهای یک ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا چالشی را در این کشور به وجود آورد که به کمک بعضی از کشورهای منطقه نیز دامن زده شد.

حاصل این چالش سربازکردن شکاف‌های قومیتی، مذهبی و سیاسی بود و این کشور را در چرخه‌ای از آشوب، ترور، جنگ داخلی، ناامنی‌های گسترده و فساد و اختلاس و ناکارآمدی نهادهای دولتی و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی فروبرد و این‌همه بستری شد برای دخالت‌های بیشتر خارجی و بروز و ظهور گروه‌های تروریستی رنگارنگ از ابتدا تاکنون. داعش یکی از محصولات همین آشفتگی و هرج‌ومرج بود که بر شدت و ویرانی آن می‌افزود. ابوبکر البغدادی ابتدا کار خود را با تعدادی از بعثی‌های رانده‌شده از عراق شروع کرد، بعثی‌هایی که به سوریه گریخته بودند و در آنجا سازمان‌دهی شدند. فرماندهان بزرگ داعش را همین بعثی‌ها تشکیل می‌دادند که اساسا فاقد یک خمیرمایه مذهبی بودند و بعدها با گردن‌نهادن بر تفکرات سلفی امثال البغدادی خلافتی موهوم را وعده می‌دادند.

ازبین‌رفتن داعش یک‌بار دیگر عراق را به همان شرایط گذشته بازمی‌گرداند. البته با کسب تجارب بیشتر و توانمندی‌های جدیدتر (این بخش امیدوارکننده قضیه است). از سویی در نبرد با داعش نیروهای مختلفی مشارکت داشتند و همیشه بعد از پیروزی است که سهم‌خواهی‌ها شروع می‌شود و این می‌تواند شروع روند تازه‌ای در درگیری‌های سیاسی و حتی نظامی در آینده باشد. دولت حیدر العبادی در مبارزه با داعش برخلاف دولت نوری المالکی کارنامه بهتری داشت و به نظر می‌رسد با همین پشتوانه بتواند برای یک دور دیگر نخست‌وزیر عراق باقی بماند.

او البته برای بازسازی ویرانی‌های برجای‌مانده با دشواری‌های متعددی مواجه خواهد بود که هیچ راهی جز جذب سرمایه و کمک‌های خارجی ندارد. از آن گذشته مسئله همه‌پرسی استقلال کردستان دامی است که از هم‌اکنون پیش پای بغداد تنیده شده و می‌تواند منشأ درگیری‌های جدیدی باشد. مسئله سهم‌خواهی و هویت‌طلبی سنی‌های عراق هنوز حل نشده است و حمایت کشورهای عرب و به‌ویژه ترکیه از آنها نیز به این انگیزه‌ها دامن می‌زند. سایر جریانات نیز ممکن است ادعاهایی داشته باشند. باید دانست مهم‌ترین نیاز مبرم عراق بعد از داعش «همبستگی ملی» است. آمریکایی‌ها طبق گفته‌های ترامپ و مقامات دولتش تمایل دارند حتی بعد از داعش نیز در این کشور باقی بمانند.

ترامپ حتی در دوران نامزدی وعده «اخراج ایران از عراق» را داده بود و دنبال‌کردن چنین سیاست‌هایی می‌تواند برای ایران و عراق دردسرساز باشد. تنها کسی که می‌تواند به معنای واقعی کلمه در برابر زیاده‌خواهی آمریکایی‌ها و دیگران بایستد، یک دولت مقتدر ملی در عراق است. ایران باید مراقب نقش خود در آینده عراق باشد. یک نگاه بلندمدت و دیپلماتیک به ما می‌گوید توسعه، امنیت، ثبات سیاسی و هم‌زیستی مذهبی عراق همه به نفع ایران خواهد بود. عراق هم می‌تواند الگویی از یک دولت شیعی موفق در جهان عرب را به نفع ایران به نمایش بگذارد. همچنین این کشور می‌تواند با ثبات و امنیت خود به ایران نیز امنیت و ثبات ببخشد. نیازی به ولخرجی‌های آن‌چنانی یا بذل‌وبخشش‌های بی‌حساب‌وکتاب نیست. ایران حتی می‌تواند برای اقوام و گروه‌های مذهبی غیرشیعه عراق مرجعیت داشته باشد و نقشی کدخدامنشی را در حل منازعات داخلی این کشور بازی کند. البته لازمه همه اینها داشتن نگاهی فراگیر و درازمدت است.